

انجمن  
تجارت  
الکترونیک  
تهران

TEHRAN



## موضع نامه انجمن تجارت الکترونیک

در مورد مسئولیت پلتفرم‌های دیجیتال در قبال محتوای  
تولید شده توسط کاربران



# موضوع نامه انجمن تجارت الکترونیک

## در مورد مسئولیت پلتفرم‌های دیجیتال در قبال محتوای تولید شده توسط کاربران

### پیشگفتار

سند پیش‌رو توسط انجمن تجارت الکترونیک تهران با هدف اعلام موضع رسمی این انجمن در خصوص «مسئولیت پلتفرم‌های اینترنتی در قبال محتوای تولید شده توسط کاربران» تهیه و تنظیم شده است. این موضوع نامه در راستای تبیین دیدگاه تخصصی انجمن نسبت به وضعیت موجود نظام حقوقی و تنظیم‌گری این حوزه و ارائه چارچوب یک تنظیم‌گری شفاف و قابل پیش‌بینی تدوین شده است.

موضوع نامه (Position Paper) در ادبیات سیاست‌گذاری و حقوقی، سندی تحلیلی و استدلالی است که یک نهاد تخصصی در آن دیدگاه رسمی خود را نسبت به یک موضوع مشخص، همراه با تبیین مسئله، تحلیل وضعیت موجود و ارائه چارچوب پیشنهادی اعلام می‌کند.

در سطح بین‌المللی، موضوع نامه‌ها ابزاری رایج برای مشارکت نهادهای صنفی، اتاق‌های بازرگانی، انجمن‌های تخصصی و حتی شرکت‌های بزرگ در گفت‌وگوی سیاستی با دولت‌ها و نهادهای تنظیم‌گر محسوب می‌شوند. هدف اصلی موضوع نامه‌ها، ارائه تحلیل مبتنی بر تجربه میدانی و تخصص فنی به منظور کمک به تصمیم‌سازی دقیق‌تر و جلوگیری از شکل‌گیری مقرراتی است که ممکن است با واقعیت‌های اقتصادی، فنی یا اجتماعی هم‌خوانی نداشته باشد.

در همین چارچوب، انجمن تجارت الکترونیک تهران در راستای انجام مسئولیت صنفی خود، با توجه به نقش فزاینده پلتفرم‌های اینترنتی در زیست‌بوم اقتصاد دیجیتال کشور و ابهامات موجود در خصوص حدود و مبنای مسئولیت حقوقی آن‌ها در قبال محتوای تولید شده توسط کاربران، اقدام به تدوین این موضوع نامه نموده است. هدف از این سند، شناسایی چالش‌های اجرایی این پلتفرم‌ها در نظام تنظیم‌گری ایران و کمک به حرکت به سمت یک رویکرد توسعه‌محور در حوزه پلتفرم‌های دیجیتال است.

این موضوع نامه پیرو صدور رأی چالش برانگیز اخیر، علیه پلتفرم آپارات تدوین و منتشر شده است؛ رأیی که در پی شکایت صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران صادر شده و بر اساس آن، مدیرعامل این شرکت به پرداخت حدود ۳.۶ همت خسارت محکوم شده است.

۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۵



## مقدمه

پلتفرم‌های دیجیتال یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اقتصادی-اجتماعی ناشی از پیشرفت فناوری در سال‌های اخیر به شمار می‌روند. این پلتفرم‌ها امروزه نه تنها به عنوان زیرساخت‌های حیاتی برای میلیون‌ها تعامل روزانه میان کاربران، کسب‌وکارها و ارائه‌دهندگان خدمات عمل می‌کنند، بلکه ساختارهای سنتی تجارت، تولید و توزیع ارزش را به شکل بنیادین دگرگون ساخته و الگوهای نوینی از سازمان‌دهی اقتصادی را در سطوح ملی و بین‌المللی شکل داده‌اند.

آنچه پلتفرم‌ها را از سایر بازیگران اقتصادی متمایز می‌سازد، توانایی برجسته آن‌ها در افزایش بهره‌وری و تسهیل نوآوری است. این پلتفرم‌ها با کاهش قابل توجه هزینه‌های مبادله، بهبود فرآیند جستجو و دسترسی، و ایجاد و تقویت اثر شبکه‌ای، با سرعتی به مراتب بالاتر از مدل‌های کسب‌وکار سنتی رشد کرده و به بازیگران محوری در اقتصاد جهانی تبدیل شده‌اند و با گسترش مدل‌هایی مانند اقتصاد اشتراکی، امکان بهره‌برداری اقتصادی از منابع بلااستفاده یا کم‌بهره را فراهم آورده‌اند. در نتیجه منابع بلااستفاده و دارایی‌های فیزیکی یا انسانی اشخاص (مانند زمان یا خودرو) به دارایی‌های مولد تبدیل گشته و مسیر ورود کسب‌وکارهای کوچک و خانگی به بازارهای گسترده و حتی زنجیره ارزش جهانی هموار شده است.

در ایران هم‌زمان با رشد سریع پلتفرم‌های بومی و توسعه اقتصاد دیجیتال، ضرورت بازتعریف دقیق جایگاه حقوقی این سکوها بیش از پیش احساس می‌شود. چراکه در برخی موارد، عدم تفکیک روشن میان نقش واسطه‌ای پلتفرم‌ها و نقش کاربران و تحمیل مسئولیت‌های سنگین ناشی از فعل کاربران به پلتفرم‌های دیجیتال، منجر به بروز رویه‌های اجرایی و قضایی شده که می‌تواند امنیت حقوقی فعالان این حوزه را تحت تأثیر قرار دهد که در ادامه به بررسی این مورد خواهیم پرداخت.



## امنیت حقوقی و پیش بینی پذیری قضایی ضرورت استمرار فعالیت پلتفرم های اینترنتی

در اکوسیستم اقتصاد پلتفرمی، کیفیت نظام تنظیم‌گری و نحوه توزیع مسئولیت‌های حقوقی میان بازیگران، یکی از تعیین‌کننده‌ترین عوامل بقای رقابت و نوآوری پلتفرم محسوب می‌شود. تحمیل مسئولیت‌های سنگین و غیرشفاف به پلتفرم‌های دیجیتال، سطح ریسک فعالیت آنان را به شدت افزایش می‌دهد، انگیزه ورود بازیگران جدید را کاهش داده، نوآوری را تضعیف می‌کند و از ورود بازیگران جدید به این حوزه جلوگیری می‌کند.

بررسی روند رشد پلتفرم‌های اینترنتی در سطح جهانی نشان می‌دهد که موفقیت کسب و کارهای پلتفرمی مدیون قوانینی است که به سکوها آنلاین مصونیت حقوقی بخشیدند تا این مجموعه‌ها بتوانند بدون هراس از دعاوی قضایی کمرشکن و محکومیت‌های نامتناسب بابت محتوای دیگران، به توسعه زیرساخت‌های ارتباطی بپردازند.

بررسی دقیق چالش‌های عملیاتی و قضایی پیش روی پلتفرم‌های ایرانی نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات این کسب و کارها، **عدم تفکیک شفاف مسئولیت میان «ارائه‌دهنده خدمات میزبانی» و «ناشر محتوا»** در رویه قضایی کشور است. در بسیاری از پرونده‌ها، این تفکیک به درستی رعایت نمی‌شود و مسئولیت حقوقی و کیفری ناشی از فعل کاربران به صورت موسع به مدیران پلتفرم تسری می‌یابد. این رویه صراحتاً با قواعد عام مسئولیت مدنی و اصل «شخصی بودن مسئولیت کیفری» مندرج در ماده ۱۴۱ قانون مجازات اسلامی در تعارض است.

از ریشه‌های اصلی این چالش، **عدم درک کافی از ماهیت فنی پلتفرم‌ها** است. در برخی احکام قضایی، استفاده از الگوریتم‌های رتبه‌بندی، جستجو یا پیشنهاد محتوا توسط پلتفرم، به اشتباه به عنوان «مداخله محتوایی» یا «کنترل سردبیری» تلقی شده است، در حالی که این ابزارها صرفاً کارکردهای فنی برای مدیریت حجم انبوه داده‌ها هستند و در ادبیات حقوق فناوری، معادل تولید یا تأیید محتوا محسوب نمی‌شوند.

نباید فراموش کرد که ارکان بنیادین استمرار حیات و رشد پلتفرم‌ها، «خلاقیت» و «اقتصاد آزاد» است؛ بنابراین تحمیل مسئولیت‌های سنگین و غیرمنطقی بابت فعل ثالث (کاربران)، ریسک فعالیت اقتصادی را به قدری بالا می‌برد که عملاً امکان تحول و پویایی را از کارآفرینان سلب می‌کند.



## مسئولیت پلتفرم‌ها در نظام حقوقی و تنظیم‌گری ایران

در وضعیت فعلی تنظیم‌گری اقتصاد دیجیتال در ایران، با وجود برخی قواعد کلی در قانون جرائم رایانه‌ای، آیین‌نامه‌های مرتبط با ادله الکترونیکی و اسناد شورای عالی فضای مجازی، همچنان چارچوب جامع، یکپارچه و به‌روز برای تعیین دقیق حدود مسئولیت پلتفرم‌ها در قبال محتوای نشر یافته در بستر آنان شکل نگرفته است. در نتیجه، نظام حقوقی موجود به جای تکیه بر یک ساختار تخصصی، در حال حاضر مبتنی بر قواعد عام و قابل تفسیر بوده و همین امر زمینه‌ساز برداشت‌های متفاوت و بعضاً متعارض در سطح اجرا و قضا شده است.

پلتفرم آنلاین در تعریف فنی و حقوقی، ارائه‌دهنده‌ی نوعی از خدمات دیجیتال است که در بستر اینترنت، تعامل بین دو یا چند گروه از کاربران را تسهیل می‌کند. این پلتفرم‌ها با ایجاد فضایی مناسب، ارتباط میان گروه‌هایی را که به یکدیگر نیاز دارند (مانند خریداران و فروشندگان، ارائه‌دهندگان خدمات و متقاضیان، یا تولیدکنندگان محتوا و مخاطبان) به آسانی ممکن می‌سازند. به همین دلیل، ماهیت اصلی آنها «واسطه‌ای» یا «میانجی‌گرانه» است.

به نظر بهترین تعریف موجود از پلتفرم‌ها در قوانین موجود، تعریف مندرج در آیین‌نامه استنادپذیری ادله الکترونیکی بوده که مطابق آن، میزبان به اشخاصی اطلاق می‌شود که امکان دسترسی کاربران به فضای ایجاد شده توسط سامانه‌های رایانه‌ای، مخابراتی و ارتباطی تحت تصرف یا کنترل خود را به کاربران واگذار می‌کنند تا رأساً یا توسط کاربر متقاضی، داده‌های رایانه‌ای را جهت نگهداری، انتشار، توزیع یا ارائه در شبکه‌های داخلی یا بین‌المللی یا هر منظور دیگر ذخیره یا پردازش کنند.

## بررسی مبانی و حدود مسئولیت پلتفرم‌های اینترنتی در قبال محتوای انتشار یافته توسط کاربران، ما را به دو سند بنیادین هدایت می‌کند:

### ۱. قانون جرایم رایانه‌ای

از مهم‌ترین اسنادی که به تبیین مسئولیت پلتفرم‌های اینترنتی پرداخته است می‌توان به قانون جرایم رایانه‌ای اشاره کرد. ماده ۲۳ این قانون (بدون ارائه تعریف دقیق از ارائه دهندگان خدمات میزبانی) اعلام می‌دارد که ارائه دهندگان خدمات میزبانی موظفند به محض دریافت دستور کارگروه (کمیته) تعیین مصادیق مجرمانه یا مقام قضائی رسیدگی کننده به پرونده مبنی بر وجود محتوای مجرمانه در سامانه های رایانه‌ای خود از ادامه دسترسی به آن ممانعت به عمل آورند.

تبصره ماده ۲۳ نیز ارائه دهندگان خدمات میزبانی را موظف می‌کند تا به محض آگاهی از وجود محتوای مجرمانه مراتب را به کارگروه (کمیته) تعیین مصادیق اطلاع دهند.

با این توضیحات، ماده ۲۳ قانون جرایم رایانه‌ای تنها با دستور کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه یا مقام قضائی رسیدگی کننده به پرونده، مسئولیت پالایش محتوا را برای ارائه دهندگان خدمات میزبانی متصور بوده است.

قانون‌گذار در تبصره ماده ۲۳ مقرر می‌دارد که ارائه دهندگان خدمات میزبانی «به محض آگاهی» از وجود محتوای مجرمانه، موظف‌اند مراتب را به کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه اطلاع دهند. از همین عبارت چنین استنباط می‌شود که مبنای تحقق تکلیف قانونی، نه «الزام به جست‌وجو و نظارت دائمی» بر کلیه داده‌ها و محتوای کاربران، بلکه «الزام به اقدام و واکنش پس از حصول آگاهی از وجود محتوای مجرمانه» توسط ارائه‌دهنده خدمات است.

در ادبیات حقوقی، میان «تعهد به نظارت عمومی و مستمر» (General Monitoring Obligation) و «تعهد مبتنی بر اطلاع و اقدام» (Notice-Based Obligation) تفاوت اساسی وجود دارد. در مدل نخست، پلتفرم یا ارائه‌دهنده خدمت مکلف است به صورت پیشینی و مستمر کلیه محتواها و فعالیت‌های کاربران را رصد و پالایش کند؛ درحالی‌که در مدل دوم، مسئولیت زمانی فعال می‌شود که ارائه‌دهنده از وجود محتوای غیرقانونی مطلع شود و پس از آن از انجام اقدامات لازم خودداری کند. ساختار تبصره ماده ۲۳ به وضوح به الگوی دوم نزدیک‌تر است؛ زیرا قانون‌گذار از تعبیری نظیر «موظف به نظارت مستمر»، «موظف به جلوگیری از انتشار» یا «موظف به کنترل پیشینی محتوا» استفاده نکرده و صرفاً تکلیف را به زمان «آگاهی» موقوف کرده است.

بر همین اساس، تفسیر موسع این تبصره به عنوان مبنایی برای الزام همه کسب‌وکارهای اینترنتی به مانیتورینگ دائمی، پالایش پیشینی یا مسئولیت مطلق نسبت به محتوای کاربران، با ظاهر و فلسفه حکم قانونی سازگار به نظر نمی‌رسد. در واقع، تبصره مذکور بیشتر در پی آن است که ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی پس از اطلاع از وجود محتوای مجرمانه، از طریق اعلام موضوع به مرجع ذیصلاح و همکاری با سازوکار قانونی، در فرآیند رسیدگی و مقابله با محتوای غیرقانونی مشارکت کنند.

## ۲. سیاست ها و اقدامات ساماندهی پیام رسان های اجتماعی:

دومین سندی که هرچند کوتاه اما بطور شفاف در مورد محتوای نشر یافته از طریق پلتفرمها صحبت کرده است مصوبه شورای عالی فضای مجازی در سال ۱۳۹۶ با عنوان سیاست ها و اقدامات ساماندهی پیام رسان های اجتماعی است که در بند ۱۰ ماده ۲ این مصوبه صراحتاً اعلام شده است که «مسئولیت اقدامات کاربران در شبکه های اجتماعی بر عهده خود کاربران بوده و ارایه دهنده خدمت پیام رسان اجتماعی، موظف به همکاری با مقامات مجاز، در چارچوب قوانین و مقررات کشور است.»

با توجه به فقدان هرگونه مقرر صریح در نظام حقوقی و با عنایت به ماهیت موضوعات مطرح شده، اساساً هیچ تکلیف عامی تحت عنوان «نظارت مستمر بر محتوای کاربران» برای ارائه دهندگان خدمات میزبانی پیش بینی نشده است. لذا بر خلاف برخی رویه های قضایی موجود، چنین برداشتی که پلتفرمها را مکلف به پایش دائمی و پیشگیرانه محتوا بداند، عملاً فلسفه و کارکرد ماده ۲۳ قانون جرایم رایانه ای را بی اثر و بی معنا می سازد؛ زیرا این ماده به صراحت، **مسئولیت ارائه دهندگان خدمات میزبانی را صرفاً در حدود «علم واقعی» و «عدم اقدام پس از اطلاع و دستور قانونی» تعریف کرده است.**

علاوه بر این، در شرایطی که فضای مجازی به یکی از اصلی ترین بستریهای بیان نظرات و تبادل اطلاعات تبدیل شده است، چنین رویکردی به طور جدی حریم خصوصی و آزادی بیان کاربران را مخدوش خواهد کرد. مطابق اصل ۲۵ قانون اساسی، هرگونه تجسس ممنوع اعلام شده مگر به حکم قانون؛ همچنین در اصول ۲۳ و ۲۴، آزادی عقیده و بیان به عنوان یکی از حقوق اساسی شهروندان به رسمیت شناخته شده است، با این قید که حدود آن در چارچوب مبانی اسلام و حقوق عمومی تعریف می شود. افزون بر این، بر اساس اصل ۳۷ قانون اساسی، اصل بر براءت اشخاص است و هیچ کس مجرم شناخته نمی شود مگر آنکه جرم او در دادگاه صالح به اثبات برسد.

بر این مبنا، تشخیص «مجرمانه بودن» محتوا و احراز قانونی آن، اصولاً در صلاحیت مراجع قضایی است و پلتفرم نمی تواند بدون وجود دستور یا رأی مقام صالح، رأساً اقدام به حذف یا محدودسازی محتوای تولید شده توسط کاربران نمایند؛ چرا که چنین اقدامی عملاً مستلزم نوعی داوری پیشینی درباره جرم انگاری محتوا بوده و با اصول بنیادین قانون اساسی در تعارض قرار دارد.

اگرچه لازم به ذکر است که این امر مانع از آن نیست که در عمل، برخی مراجع اجرایی یا قضایی از پلتفرمهای بزرگ انتظار اتخاذ «اقدامات متعارف پیشگیرانه» نظیر ایجاد سامانه گزارش دهی کاربران، تعیین سازوکار رسیدگی به شکایات، استفاده از تیم های مدیریت محتوا یا حذف سریع محتوا پس از دریافت اخطار رسمی داشته باشند. با این حال، چنین انتظاراتی را نباید معادل «الزام قانونی به پالایش و پایش مستمر همه محتواها» تلقی کرد؛ زیرا میان «داشتن سازوکار واکنش مؤثر» و «تعهد به کنترل دائمی و پیشینی کلیه محتواهای کاربران» تفاوت ماهوی وجود دارد.



## اصول پیشنهادی جهت تنظیم گری توسعه محور در پلتفرم های دیجیتال

انجمن تجارت الکترونیک معتقد است هرگونه سیاست گذاری و تنظیم گری در حوزه پلتفرم های دیجیتال باید بر مجموعه ای از اصول پایدار، قابل سنجش و منطبق با واقعیت های فنی و حقوقی اقتصاد دیجیتال استوار باشد؛ به گونه ای که هم از حقوق کاربران صیانت شود و هم بستر لازم برای رشد و رقابت در این زیست بوم حفظ گردد.

### تناسب در تنظیم گری و اتخاذ رویکرد مبتنی بر ریسک (Risk-Based Approach) در قانون گذاری

سطح مداخله و الزامات قانونی و شدت تکالیف تحمیلی و نظارتی بر پلتفرم ها باید متناسب با میزان نقش، کنترل واقعی، اندازه پلتفرم، نوع خدمات، سطح دسترسی به داده ها و ریسک فعالیت آن ها باشد.

### ممنوعیت پایش مستمر و عمومی

تحمیل هرگونه الزام به پایش دائمی، پیشینی و فراگیر تمام محتوای کاربران، نه تنها از منظر فنی غیرعملی و از منظر اقتصادی بسیار پرهزینه است، بلکه همانطور که گفته شد از منظر حقوقی نیز با اصولی همچون رعایت حریم خصوصی، آزادی بیان و همچنین با اصل تناسب در تعارض قرار دارد.

### تمایز روشن میان «محتوای غیرقانونی» و «محتوای مضر»

صرفاً محتوایی باید مشمول اقدامات الزامی مانند حذف یا محدودسازی قرار گیرد که به طور صریح و مشخص در قوانین جاری کشور به عنوان محتوای غیرقانونی شناخته شده باشد. بر همین اساس و مطابق قانون جرایم رایانه ای، حتی مراجع ذیصلاح از جمله کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه نیز صرفاً در حدود اختیارات قانونی خود و مبتنی بر مستندات روشن قانونی می توانند دستور حذف یا محدودسازی محتوا را صادر کنند و امکان توسعه دایره مصادیق یا اتخاذ تصمیم بر مبنای برداشت های کلی، مبهم یا سلیقه ای برای آنان وجود ندارد.

### پذیرش دخالت حداقلی و هدفمند دولت به عنوان یکی از ارکان حکمرانی دیجیتال

نقش دولت و نهادهای حاکمیتی باید عمدتاً معطوف به سیاست گذاری کلان، تنظیم چارچوب های شفاف و مداخله موردی و مبتنی بر دستور قضایی باشد و نه ورود به نظارت مستمر و پیشینی بر محتوای کاربران یا تحمیل تکالیف اجرایی سنگین بر پلتفرم ها.



## چارچوب پیشنهادی اصلاح تنظیم‌گری پلتفرم‌های دیجیتال

انجمن تجارت الکترونیک در راستای رفع ابهامات مطرح شده در نظام حقوقی و قضایی حوزه پلتفرم‌های دیجیتال، مجموعه‌ای از پیشنهادهای سیاستی و اجرایی را ارائه می‌دهد که هدف آن‌ها ایجاد چارچوبی شفاف، قابل پیش‌بینی و منطبق با واقعیت‌های فنی، اقتصادی و حقوقی اقتصاد دیجیتال است.

### تفکیک نقش پلتفرم واسط از ناشر محتوا

در نظام حقوقی و مقرراتی حوزه اقتصاد دیجیتال، یکی از بنیادی‌ترین پیش‌نیازها برای ایجاد شفافیت، ثبات و امنیت حقوقی، تفکیک روشن میان نقش «پلتفرم واسط» و «ناشر یا تولیدکننده محتوا» است. بر این اساس، ضروری است تعریف «پلتفرم واسط» به صورت دقیق، جامع و مبتنی بر واقعیت‌های فنی و اقتصادی این حوزه مورد تصریح قرار گیرد؛ به گونه‌ای که این مفهوم بر ماهیت بازارهای چندسویه، نقش تسهیل‌گری غیرمحتوایی و عدم مداخله مستقیم در تولید محتوا استوار باشد. چنین تعریفی باید به نحوی تنظیم شود که مرز میان مسئولیت ناشی از فعل مستقیم پلتفرم و مسئولیت ناشی از فعل ثالث به صورت روشن، قابل پیش‌بینی و مصون از تفسیر سلیقه‌ای مشخص گردد.

### پذیرش و پیاده‌سازی استاندارد «بندرگاه امن» (Safe Harbor)

این انجمن بر ضرورت پذیرش استاندارد «بندرگاه امن» تأکید دارد؛ الگویی که در قوانین پیشرو جهان از جمله ماده ۲۳۰ قانون اخلاق رسانه‌ای آمریکا و قانون خدمات دیجیتال اتحادیه اروپا (DSA) به عنوان رکن اصلی توسعه اقتصاد دیجیتال پذیرفته شده است. طبق این استاندارد، پلتفرم‌های واسط تا زمانی که نقش فنی و غیرفعال دارند و پس از آگاهی از محتوای غیرقانونی، در بازه زمانی متعارف اقدام به حذف آن می‌کنند، از مسئولیت ناشی از فعل ثالث مصون هستند. پیاده‌سازی این الگو در ایران، ضمن پایان دادن به رویه‌های قضایی سلیقه‌ای، امنیت حقوقی لازم را برای رشد پلتفرم‌های دیجیتال فراهم آورده و از تسری مسئولیت اقدامات کاربران به مدیران پلتفرم جلوگیری می‌کند.

### توجه مضاعف بر اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری

در نظام حقوقی ایران، مسئولیت کیفری امری مبتنی بر قصد است؛ بنابراین، تسری مجازات ناشی از فعل مجرمانه یک کاربر به مدیران پلتفرم، صرفاً به دلیل جایگاه مدیریتی یا فراهم‌آوری بستر فنی، فاقد وجهت قانونی و شرعی است. انتساب جرم به مدیر پلتفرم تنها در صورتی مجاز است که «قصد مشترک» یا «مداخله مستقیم در ایجاد محتوا» مطابق ادله اثبات دعوا احراز شود.

از همین رو، انجمن معتقد است در صورت بروز تخلف یا کوتاهی پلتفرم در اجرای دستورات قانونی (پس از اطلاع‌رسانی رسمی)، واکنش نظام تنظیم‌گری باید از جنس ضمانت اجرایی اداری و حقوقی متناسب (نظیر جریمه‌های مالی یا اخطارهای رتبه‌بندی) باشد، نه مجازات‌های کیفری سنگین و سلب آزادی برای مدیران.

## ۴ حرکت به سمت نظام خودتنظیم‌گری (Self-regulation) و تنظیم‌گری مشارکتی (Co-regulation)

سرعت تحولات در اقتصاد دیجیتال، ناکارآمدی مدل‌های سنتی و «بالا به پایین» تنظیم‌گری را به اثبات رسانده است. بر همین اساس، گذار به سمت «تنظیم‌گری مشارکتی» به عنوان یک ضرورت راهبردی پیشنهاد می‌شود. در این مدل، دولت به جای مداخله مستقیم در جزئیات فنی و اجرایی، نقش «تنظیم‌گر تنظیم‌گران» را ایفا کرده و تدوین ضوابط اجرایی، کدهای رفتاری (Codes of Conduct) و نظارت اولیه را به نهادهای صنفی و خودپلتفرم‌ها واگذار می‌کند. این رویکرد نه تنها بار مالی و اداری حاکمیت را کاهش می‌دهد، بلکه به دلیل نزدیکی تنظیم‌گران صنفی به واقعیت‌های کسب و کاری، منجر به اتخاذ تصمیمات دقیق‌تر و منعطف‌تر خواهد شد. هدف نهایی این مدل، ایجاد تعادلی پویا میان «صیانت از حقوق عمومی» و «حفظ پویایی کسب‌وکارهای نوآور» است؛ به گونه‌ای که پلتفرم‌ها با ایجاد سازوکارهای داخلی شفاف و پاسخگو، مسئولیت‌پذیری خود را افزایش داده و در مقابل، حاکمیت نیز با اعتماد به بلوغ صنفی، از مداخلات غیرضروری که منجر به اختلال در بازار می‌شود، پرهیز نماید. باید توجه داشت که پیش شرط یک قانون‌گذاری موفق در این حوزه، مشارکت نهادینه و مستقیم بخش خصوصی و ذی‌نفعان در تمامی مراحل تدوین تا اجراست؛ چرا که قانونی که بدون درک واقعیت‌های بازار نوشته شود، نه تنها اجرا نخواهد شد، بلکه به مانعی بزرگ در مسیر حاکمیت دیجیتال ملی تبدیل می‌گردد.

## ۵ ایجاد نهادهای تخصصی قضایی

ماهیت منحصربه‌فرد و پیچیدگی‌های فنی اقتصاد پلتفرمی، ایجاب می‌کند که فرآیند رسیدگی به پرونده‌های این حوزه در یک بستر کاملاً تخصصی دنبال شود. در برخی حوزه‌های قضایی به‌ویژه در شهرهای کوچک به دلیل محدود بودن دسترسی به دانش تخصصی در حوزه اقتصاد دیجیتال و فقدان دستورالعمل‌های تخصصی، احتمال برداشت‌های متفاوت و بعضاً سلیقه‌ای در رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با فعالان اقتصاد دیجیتال افزایش می‌یابد و در نتیجه منجر به صدور تصمیماتی می‌شود که آثار آن کل‌زنجیره تأمین خدمات دیجیتال را تحت تأثیر قرار دهد. بهره‌گیری از ظرفیت کارشناسی نهادهای صنفی، ایجاد سازوکارهای حل اختلاف جایگزین، توسعه نهادهای تخصصی رسیدگی، تدوین دستورالعمل‌های راهنما با تأکید بر رعایت اصل تناسب در صدور دستورات تأمینی و احکام و بررسی امکان ایجاد شعب تخصصی رسیدگی به دعاوی مرتبط با اقتصاد دیجیتال به منظور افزایش انسجام و وحدت رویه می‌تواند به کاهش خطاهای تفسیری و افزایش کیفیت عدالت در این حوزه کمک کند.

## ۶ تنظیم‌گری توسعه محور

در عصر حکمرانی دیجیتال، قوانین نباید تنها با رویکرد «تحدیدی و واکنشی» تدوین شوند، بلکه باید به عنوان پیش‌ران نوآوری و ضامن توسعه پایدار عمل کنند. **تنظیم‌گری توسعه‌محور** مستلزم آن است که هرگونه مقرره‌گذاری جدید، پیش از تصویب، از فیلتر دقیق «ارزیابی تأثیرات اقتصادی» عبور کند تا اطمینان حاصل شود که هزینه‌های تحمیلی انطباق با قوانین (Compliance)، منجر به خروج استارت‌آپ‌ها از چرخه رقابت یا ایجاد انحصارهای ناخواسته برای بازیگران بزرگ نمی‌شود.

همچنین قوانین باید به گونه‌ای طراحی شوند که با رفع هرگونه ابهام مفهومی در تعریف نقش‌ها و مسئولیت‌ها، امکان **تفسیر سلیقه‌ای** را به حداقل برسانند.

با توجه به ماهیت پویای این حوزه، قوانین باید به جای تمرکز بر «جزئیات فنی زودگذر»، بر «اصول و اهدافی راهبردی» استوار باشند تا از پدیده متروک شدن قوانین جلوگیری شود. لذا تأکید بر ضرورت «مقررات‌زدایی از گلوگاه‌های نوآوری» و حذف قوانین موازی و مبهم لازم به نظر می‌رسد.

در پایان انجمن تجارت الکترونیک معتقد است توسعه پایدار اقتصاد دیجیتال تنها در صورتی ممکن خواهد بود که نظام تنظیم‌گری کشور بر پایه «شفافیت حقوقی»، «تناسب در مداخله»، «تنظیم‌گری مشارکتی»، «حمایت از نوآوری» و «صیانت هم‌زمان از حقوق کاربران و امنیت سرمایه‌گذاری» استوار شود.



۰۲۱ ۹۱۰۳۰۶۶۲ 

۰۹۹۲۱۹۰۹۰۹۸ 

info@etchamber.ir 

etchamber 

etchamber\_ir 